



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دبستان و پیش دبستان الف آفرین

گردآورنده: مریم روز خوش

موضوع :

ارتباط موثر با والدین

بهمن ماه ۱۴۰۱

## چکیده

مهم ترین افراد زندگی که با کودک ، نوجوان و جوان (دانش آموزان) ارتباط موثری دارند والدین و خانواده شان هستند وبا وجود اهمیت فراوانی که شاید افراد به دوستان نشان می دهند ولی باز هم خانواده بسیار ارجح تر است . در واقع والدین در این شناخت بسیار اثر می گذارند و آنها باید با حمایت بی چون و چرا به فرزندان شان بفهمند که همیشه و تحت هر شرایطی دوستشان هستند.

در مقاله حاضر مخاطب دانش آموزان و افرادی هستند که در پی برقراری ارتباط موثر با والدین و دوستان هستند و در مقاله حاضر سعی بر آن است که مشکلاتی که خانواده ممکن است با رفتارهای نامطلوب آسیب هایی را به فرزندان خود وارد می کنند مورد تحقیق قرار دهد و راهکارهایی برای پیشگیری از آسیب های تنش زا ارائه شود. از آنجایی که مهم ترین و اساسی ترین رکن اجتماع خانواده است که دانش آموز در آنجا رشد می کند، انتقادات و توقعات نابجای والدین ممکن است سبب فشارهای عاطفی و احساسی و ناامنی در آنها گردد.

**تحقیر و سرزنش ، عیب جویی ، توهین و تندی، عدم محبت ، تبعیض و تحمیل عقاید و سلیق و عدم وجود محیطی مناسب از مهم ترین علل و عوامل موثر در بروز مشکلات فردی او با دوستان و اولیا به شمار می رود.**

از مشکلات فردی ، تلاش او برای هویت یابی که از آن به نام " بحران هویت" یاد می شود می توان نام برد و هم چنین طرد شدن و خشونت از سوی خانواده که به دلایل مختلف ایجاد می شود از جمله خصوصیات ظاهری دانش آموزیا نوجوان و کودک و یا جوان میزان هوش و استعداد ، رفتار اجتماعی ، علایق و سلیقه های شخصی می تواند آثار سویی بر شخصیت او برجای گذارد و سبب از بین رفتن افکار مثبت و عدم رضایت از خود و دیگران شود.

همان گونه که در مقدمه بیان می شود مقالاتی که در پیش روی شماست حاصل تجربه ای است که از موقعیت های مختلف رفتار والدین و پیامدهای آن و تاثیر آن در نوجوان و جوان مشاهده شده است و بطور محسوس هم

اکنون که سالها می گذرد با اینکه از نظر علمی رشد کرده اند و به مراتب علمی بالا رسیده اند ولی اثر مخربش را بجای نهاده است .

از جمله مشکلاتی که در اثر اصطکاک بین دانش آموز و والدین پیش می آید می توان به اختلال شخصیت یعنی نتوانستن ایجاد رابطه مناسب با هم نوعانش ، اضطراب و عصبی بودن که از جمله موارد مشابهی است که در دوران بلوغ پدیدار می شود و ترس که در اغلب نوجوانان ناشی از تعارضات روانی و فشار بسیاری از تلخی ها و نا امنی های عاطفی را همراه دارد.

پس خانواده یک واحد اجتماعی است که بیشترین تاثیر را بر رشد افراد دارد و والدین از طریق ارائه الگوها، معیارها و یا دانش در رشد شناختی و مفهوم خود و کسب هویت و همانند سازی نقش جسمی تاثیر مهمی دارد به خصوص در سالهای اول زندگی نقش خانواده از رسانه های گروهی و هم سالان پیشرفت و در سنین نوجوانی نقش خانواده در اجتماعی شدن کمتر می شود.

تمایل نوجوان به بریدن از خانه و پیوستن به اجتماع اگر چنان چه با برخورد دوستانه پدر و مادر همراه باشد و با نوجوان مانند یک دوست مهربان و شاد و صمیمی رابطه برقرار کند می تواند او را از گزند آسیب های روانی و اجتماعی حفظ کند مهم ترین شرایط در ایجاد چنین پیوندی برخورداری از والدین دارای بینش صحیح و ثبات عاطفی است .

## مقدمه:

موضوع عوامل موثر والدین و دوستان در کودک و نوجوان و جوان و یا دانش آموز را اگر بخواهیم بررسی کنیم نشأت از یک واژه کلیدی گرفته می شوند که این واژه ی کلیدی " خانواده" است . در ابتدای زمینه سازی رشد و تعالی ، باید در مکان مقدس خانواده پایه گذار و استحکام یابدو خانواده و دوستان دو مقوله ای هستند که تاثیر آن دو در فرایند شکل گیری شخصیت فرد غیر قابل انکار است و تاثیر گذارترین افرادی هستند که نوجوان یا کودک و یا جوان با آ»ها در ارتباط است و ارتباط موثر والدین و دوستان را می توان عاملی مهم در رشد فکری و شخصیتی فرزند ویا در اینجا بهتر است از واژه ی دانش آموزاستفاده کنیم . شاید بعضی والدین از روش نا صحیحی برای این کار استفاده کنند اما هدف آنها چیزی غیر عشق ورزی به فرزندشان نیست و ممکن است این روش ناصحیح آنها موجب درک یک اشتباه فرزند به دنبال آن ایجاد خلل در روابط والدین و فرزند شود . واین فرزند معمولا تلاش می کند این خلل را با وجود دوستان و هم سن و سالانش جبران کند به همین علت هم تحت تاثیر فراوان آنها قرار می گیرد . در این میان سلامت اجتماعی دوستان منتخب آنها ضرورت می یابد که خانواده نظارت کافی به شکلی که نوجوان احساس کند از طرف والدینش مورد اطمینان نیست و آنها سعی در محدود کردن او دارند باشد.

وجود دوستان ناباب که هم شان با خانواده نباشند هم می توانند علاوه بر مشکلات روحی فراوانی که در او ایجاد می شود سبب دوگانگی شخصیتی در او و تخریب عقاید و چهارچوب هایی شود که والدین او در طول سالهای زندگی او به سختی آنها را ایجاد کرده اند.

پس اعضای خانواده به خصوص والدین از مهم ترین و تاثیر گذارترین افراد زندگی در تمامی سنین هستند و اهمیت حضور آنها تنها به دوران کودکی محدود نمی شود و ارتباط موثر والدین می تواند همانند یک عامل محافظت کنند در سطح روان عمل کند و در برابر انواع آسیب های روانی و اجتماعی مراقبت کند و حتی آنجایی که دوستان هم به نوبه خود تاثیر انکار نا پذیری درون شکل گیری شخصیت فرد دارد ولی بدون نظارت و حمایت والدین هم ممکن است بجای موثر،(مخرب) جایگزین شود و همیشه موثر در مثبت نیست.

حال در این مقوله مطالبی در زمینه چگونگی روابط و برقراری روابط موثر والدین ودوستان پرداخته می شود و به اصل و پیشینه این روابط و این برقراری اشاره می شود . اگر بخواهیم خانواده ای متعادل وسالم داشته باشیم تا زمینه ی رشد و تعالی در آن خانواده برقرار شود یکی از شروط مهم آن ،خودآگاهی هر عضو خانواده نسبت ، اهداف این کانون مقدس است که البته در این بین مشکلاتی نیز بین فرزندان ووالدین را پیش می آورد.

در ضمن این پروژه و پژوهش بر اساس تجارب و پیامدهای واقعی و محسوس که بی ارتباط با مستندات علمی هم نیستند مکتوب شده است.

تشخیص مساله (عنوان) : بررسی عوامل موثر مشکلات بین فردی در روابط با اولیا و دوستان دانش آموز

## توصیف و بیان مساله :

از انجایی که خود هم دبیر و هم اولیا و دانش آموز محسوب می شوم لذا برآن شدم که دلسوزانه و صادقانه روی یک پروژه ی حساس وسخت این پژوهش را انجام دهم وبا سعی خود در رفع این مشکل با مطالعه و انجام پژوهش مشابه آن نموده ام وتوانستم روی این موضوع تمرکز بیشتری داشته باشم.موضوع این پژوهش ۳ دانش آموز ۲برادر و ۱ خواهر هستند برادران ۱۷ و ۱۴ ساله و خواهر ۹ ساله .

هر سه از اعتماد به نفس خیلی پایین برخوردار هستند ولی این اعتماد به نفس ضعیف در درون آنهاست وسیعی در پنهان کردن آن دارند . همیشه مضطرب و در حال ترس و واهمه هستند در مهارت های اجتماعی ضعیف عمل می کنند عدم برقراری و روابط موفقیت آمیز با دوستان و هم سالان خود دارند .فرصت های قطعی برای اکتساب مهارت های ذهنی و اجتماعی با توجه به استعداد ها و توانایی ها و هوش و ذکاوت انها را از دست داده اند آشفتگی ، طرد و انزوا و کم کم رو به افسردگی در برادران بخصوص ناتوانایی در واکنش به تعامل هایی که دوستان و هم سالان آنها آغاز می کنند و تمایل به کم حرفی و سکوت ، غیبت کردن بیش از حد از مدرسه

- همیشه دنبال فرار از خانه و یکی از آنها بیشتر فرار از مدرسه

- انتقام رفتارهای والدین نسبت به دوستان و هم کلاسی ها

- بی حوصلگی زیاد در خانه و جمع به ظاهر خانوادگی

- فرار از مقررات و عدم اطاعت و یا اطاعت اجباری از قوانین مستبدانه(والدین)

- نداشتن اجازه تنها بودن ویا خلوت شخصی

- فاصله گرفتن از اعضای خانواده با تحکم و زور و اجبار

- عدم استفاده از همه محیط منزل

- عدم استفاده از وسایل شخصی

- ناتوانایی در بیان و مطرح کردن مشکلات بلوغی با والدین

- ترس از بیان اشتباهات خود

- ترس از بیان و نظرات

- نگرانی از احتمال جدایی والدین

-رنج بردن از عواطف منفی

- مشاجره و نزاع خواهر و برادر با تحریک (یکی از والدین)

زیاد و بیش از انتظارات والدین از فرزندان

- مرتب طرد شدن و فاصله گرفتن از سوی والدین

- غیبت کردن بیش از حد در مدرسه

### گرد آوری اطلاعات و شواهد(۱):

با هماهنگی مدیران مدرسه هر دانش آموز با توجه به اینکه آگاه بر مسائل این سه دانش آموز از نظر (توصیف و بیان مشکلات آنها) بودم. در شرایط زندگی دانش آموزان قرار گرفتم و ارتباط تنگاتنگ با خانواده دانش آموز برقرار کردم. هم چنین برقراری ارتباط با خانواده و بستگان درجه یک بخاطر حساس بودن و دقیق بودن روی مسائل خاصی که آنها را در بر گرفته بود به اطلاعات خیلی مهمی دست یافتم که از این قرار هستند.

ابتدا که با ولی ایشان روبرو شدم بسیار متشخص، تمیز، خوش اخلاق و خوشرو و با احترام با بیو گرافی خود و خانواده شروع کردند به صحبت کردن، و تعاریف از فرزندان خود ولی کلاً عدم ارتباط با خانواده و بستگان درجه یک خود و خانواده همسر یک مورد از مشکلات آنها بود.

ایشان در صحبت ها و گفت و گو ها دقیقاً تمرکز روی صحبت های خود نداشتند، پراکنده گویی می کردند و صحبت های متناقض می کردند کلاً اختلال در بیان کردن و صحبت کردن داشتند و دقیقاً در عمل و رفتار منفی انعکاس دادند. ضمن تعریف از خود و بیان مشکلات خود دیگران را مقصر همه چیز می دانستند.

- در زندگی با خانواده عدم اختیار و اجازه به اعضای خانواده در کارهای منزل و حتی صحبت کردن

- عدم استفاده فرزندان از وسایل بازی و حتی استفاده از همه محیط و فضای منزل

- عدم توجه به استعدادها و توانایی های مشهود در فرزندان و از بین بردن استعدادها و توانایی های آنها در نوع بازی و دور کردن وسایل شخصی و بازی آنها
- تامین مسائل و نیازهای مالی فرزندان طبق سلیق و خواسته ها و انتخاب های اجباری خود
- بیان اختلافات در حضور فرزندان بطور عمد
- بستن درهای گفت و گو با خواهر و برادرو ایجاد اختلاف و فاصله بین آنها
- خشم شدید و غیر قابل فروکش و سبک پاسخ دهی پرخاشگرانه
- عدم احترام به فرزندان در خانواده
- مقایسه کردن با همسالان
- تحمیل علایق و سلیق با تهدید و رعب و ترس و توهین به فرزندان
- ایجاد ترس و نگرانی در آنها
- عدم ایجاد شرایط برای بروز نیازها و در خواستها و گفت و گوهای معمولی در زندگی (عدم گوش دادن و شنیدن)
- عدم کنترل و تعادل در رفتارهای پدر یا مادر و تاثیر بسیار شدید و انتظارات نا معقول و بیش از سن فرزندان
- لجبازی و مخالفت شدید با آنها
- پرحرفی خصوصا با تلفن
- بد سرپرستی کردن
- هرچند مدت طرد کردن آنها از خود
- رفتار دور از آزاد منشی معقول و صحیح (رفتار سلطه آمیز و مستبدانه)
- توسل به دعایی خاص و در صورت نبودن این توسل بدترین نوع رفتار با دانش آموزان
- خود را در این حال بالاتر از همه دانستن درعمل و در میان دیگران خاکی دانستن خود
- در بین افراد بچه های خردسال را مقصر همه چیز دانستن
- کنترل وسایل شخصی حتی نوشته ها ، واکنش به انتظارات مربی و آموزگاران بچه ها

تنبيه و توبيخ بچه ها بخاطر رفتار ديگران

- زندانی کردن خانواده

## تجزیه و تحلیل داده های اطلاعات:

در برقراری ارتباط مستقیم با خانواده دانش آموزان در طی چند مرحله ، در پی بررسی هایی که به عمل آمدو هم چنین از طرفی در چند مرحله مراجعه حضوری ولی دانش آموزان و اصرار و پافشاری روی نکات رفتاری غیر منطقی خود، حتی کوچک ترین عضو و جز از افراد در آن مکان متوجه شخصیت و مسائلی که در پی شخصیت ایشان در دانش آموزان نشات گرفته بود می شدند.

ایشان در ظاهر و ابتدای برقراری ارتباط بسیار خوشرو ،خوش پوش،تمیز و مرتب بود ولی در واقع از نظر رفتاری یک تیپ چند شخصیتی و به اصطلاح دوقطبی محسوب می شوند.

ایشان دارای وسواس شدید جسمی و فکری بودند و در واقع یک بیمار محسوب می شوند.

یک بیمار مشکل روان شدید که آسیب های روحی و ترکش های مستقیم جسمی ، فیزیکی و شکنجه های روحی را به اطرافیان وارد می کرد.

ایشان مدعی بودند که خیلی شاد هستند ولی این شاد بودن هم چند دقیقه نمی شد که تبدیل به یک انفجار هم می شد دو گانگی رفتار خیلی شدیدی داشتند اگر عده ای به منزل ایشان مراجعه می کردخیلی دوست داشت از خود و خانواده و بچه ها تعریف و تمجید کند وی دقیقا فردای آن روز یک برنامه ریزی می کرد و به محل کار آنها می رفت و خانواده را کلی تخریب می کرد.

اگر مدارس در خواست معقولی برای وسایل و ابزار و یا دعوت نامه حتی به بچه ها می دادند آن قدر تعلل می کرد تا بچه ها بدون آگاهی معلمان مواخذه می شدند و بعد ولی ازطرفی بچه ها را وادار به جسارت و گستاخی می کرد (نسبت به معلمان) و آنها که عدم اطاعت می کردند در خارج از مدرسه یا منزل با بدترین وجه بایستی تنبيه می شدند.

ایشان از دردهای جسمی و شکایت از اجتماع ، جامعه و سیاست بر اساس گفته های خود مجبور بود که سر خانواده خالی کند تا تخلیه شود به خصوص که اگر از خوردن دارو هم خسته شده باشد و اجتناب کند.

ایشان علاوه بر رفتارهایی که در ابتدای توصیف مسئله بیان شد یک رفتار مستبدانه در منزل داشتند و در هر برنامه ای از زندگی ، خوابیدن ،نوشتن،خوردن،حرف زدن ،بازی کردن و کارهای منزل و ... طوری که با اینکه از خرید بهترین وسایل بازی دریغ نمی کردند ولی فقط وسایل بازی برای یک لحظه دیدن آنها بود سریع می بایست بایگانی شود.

حتی در فضاهای خانه اجازه نداشتند به جز یک اتاق و یک پذیرایی از فضاهای دیگر به خوبی استفاده و یا رفت و آمد کنند. عملاً نمونه هایی از رفتار های خطرناک در زندگی آنها شنیده و یا مشاهده می شد، هیچ گونه ارتباطی با دوست ،همکار،همسایه و یا بستگان نداشتند مگر سالی یک بار شاید با کسی تصمیم می گرفت با کسی ارتباط برقرار کند آن هم اگر نفعی در آن بود و زود هم قطع می کرد.

آن قدر مشکلات از نظر روحی و فکری در این خانواده وجود داشت که شاید کمتر کسی بتوانست آنها را هضم کند و گرچه از مدیران شنیده می شد که شاید یک یا دو رفتار شبیه در دیگران دیده می شد حتی شاید بدتر ولی در این خانواده یک یا دو نوع رفتار و آسیب نبود خیلی بیشتر از آن چه که دیده یا شنیده باشید.

اختلال اضطرابی و وسواس فکری، توهم، علائم بی نظمیدر گفتار و تفکر اشتباه و تفکر بی نظم ، مشکل در تفکر منطقی

البته در ابتدای مقدمه بیان کردم که اولین مرحله در وضع مشکلات اساسی خانواده و اولین مرحله در زمینه رشد و تعالی خانواده خود آگاهی است ولی شرایط این خانواده فردی که بیمار است و آسیب هایی را که تحمل شده به خانواده خود آگاه هست ولی اعضای خانواده و اطرافیان متاسفانه هیچ گونه آگاهی از علل و ریشه این رفتارهای ولی نداشتند و چه بسا ممکن است این گونه رفتارها و آسیب ها را بیماری می دانستند ولی از نوع بیماری آگاهی نداشتند . بعد از این که حالات و رفتارهای فرد یا ولی و سرپرست پی برده شد ، متوجه سختی ها و آسیب هایی که به دانش آموزان مذکور (۳ دانش آموز) وارد شده بود، شدیم. من هم به عنوان معلم هیچ گونه آگاهی از اینکه چه نوع بیماری ممکن است دامن گیر وی شده باشد نتوانستم پیدا کنم همان قدر که با توجه به مطالعات خود روی این رفتارها و پیامد های شخص به این نتیجه رسیدم که مبتلا به یک بیماری روانی می تواند منجر به این آسیب ها شود علیرغم اینکه ایشان مجروح جنگ هم بودند بیشتر دلایل آنها مربوط به تنش های جنگ و صدمه ای که دیده است می دانستم.

ایشان خود را جدا از دردهای جسمی و یا دردهای ناشی از وقایع جنگ ، دربروز مشکلات روحی و غیره که در زندگی پیش می آمد دشمن خود و مقصر اصلی را اطرافیان و فرزندان (فرزندان خردسال) می دانست و اجازه کنجکاوی دیگران و حتی اعضای خانواده خود را برای شناخت داروهایش نمی داد.

رفتارهای عجیب ووسواس های فکری و جسمی بسیار شدید در زندگی روی تمام برنامه های اطرافیان او هم تاثیر گذاشته بود.

گفتارها و رفتارهای والدین تاثیر طولانی مدت در فرزندان او بجای گذاشته مانند همان طرد شدن فرزندان توسط یکی از آنها که سرپرست وولی دانش آموز بودند و دچار مشکل رفتاری بود.

- مقصر دانستن فرزندان در هر مشکلی

- مقایسه کردن یا غیر حتی به طور غیر منطقی

- شرم زدگی فرزندان

- اینکه آنها را لایق هیچ چیزی نمی دانست

- گذاشتن اسامی و القاب ناشایست روی بچه ها

- تهدید کردن به طور وحشتناک

- سهل گیری و سخت گیری بیش از حد

- خشونت فیزیکی و روانی

- داشتن بیماری جسمی والدین

## پیشینه ها:

الف- پیشینه نظری (اینترنت - خانه ، توسعه فردی -نویسنده فاطمه بهشتیان ،بهمن ۱۳۹۹) ۶ نکته برای افزایش توانایی ارتباط موثر با والدین و دوستان که باید در خانواده ها دانسته شود.

پذیرای عشق بین والدین و فرزند ، چون رابطه قوی والدین مانند یک سپر در مقابل آسیب های اجتماعی و روحی عمل می کند و این عشق باید دو طرفه باشد و والدین باید عاشق فرزند باشند تا فرزند عاشق والد بودن را بیاموزد

- مسائل و مشکلات در زمان مناسب با والدین در میان گذاشته شود. وقتی صحبت از برقراری ارتباط موثر با والدین و دوستان می شود شاید یکی از اعتراضات نوجوان این باشد که هرگاه قصد صحبت کردن با والدین و طرح مسائلمان را دارند والدین به آنها توجه نمی کنند و فرصتی برای صحبت کردن به آنها نمی دهد.

- نقص های والدین و دوستان را نوجوان یا جوان باید بپذیرد

- شنونده خوبی در تعامل بین هر دو سو ایجاد شود

- یک رابطه دوطرفه بین آنها ساخته شود

- احترام فراموش نشود

ب- پیشینه عملی (خدیجه علیپور- دبستان آیت الله کاشانی، بررسی مشکلات بین فردی دانش آموزان والدین آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران ۱۳۸۶)

تاثیر رفتار و طرزتفکر والدین در شکل گیری و چگونگی رفتار کودکان بسیار مهم و اساسی است . بسیاری از شخصیت های بزرگ و پیروز مند رابطه ای دوستانه و پسندیده با والدین خود داشته اند.

روشهای ارتباط نوجوان با والدین و دوستان - اینترنت- علی میرصادقی ۷ بهمن ۱۳۹۹: یکی از موارد مهم تاثیر ارتباط نوجوان با والدین و دوستان هست نوجوان هایی که تاثیر های منفی از همسالان می گیرند به مرور به سمت قانون شکستن ،اعتیاد،مشکلات توی مدرسه ،رفتارهای مقابله ای و ... گرایش پیدا می کنند برای جلوگیری از این اتفاقات فرزندان را باید به دانستن رابطه سالم و مثبت در خانواده هدایت و تشویق کرد.

حال روشهای ارتباطی فرزندان با والدین و دوستان یکی از راهکارها داشتن رابطه مثبت با نوجوان است و یکی احساساتی که به او نشان می دهید واقعی باشد

- دیگر این که دادن استقلال فکر

- آشنایی با دوستان فرزندان

- احترام و از جملات توهین آمیز استفاده نکردن

- دیگر مسائلی که از آنها در این مقاله استفاده شده است.

مهر و محبت از تناقض های برجسته روابط مطلوب و پسندیده میان والدین و فرزندان است والدینی که رفتار مطلوب و درستی با فرزندان نشان ندارند موجب سرخوردگی آنان می شوند کودکی که از مهر و محبت والدین محروم است می کوشد تا به هر وسیله ی ممکن این کمبود را جبران کند.

رفتار پدر و مادر مهم ترین عامل در تعیین چگونگی روابط میان آنان با فرزندان است رفتار سلطه آمیز و مستبدانه ، رفتار طرد کردن در این مقاله استفاده شده از انواع رفتارهایی است که والدین در دوران کودکی خود نیز پدران و مادران مستبدی داشته اند

بررسی مشکلات بین فردی دانش آموزان - اعظم سالخورده - مدرسه راهنمایی نبوت آموزش و پرورش منطقه

۱۵ - ۱۳۸۶

(چکیده : مقالات جوان و روابط بین فردی ، تصویری از مشکلات خانوادگی نوجوانان ، محدودیت مسکن)

نداشتن اتاق شخصی و اجازه تنهایی و خلوت شخصی نداشتن ، احساس فاصله زیاد از والدین در زمینه رغبت ها و علایق شخصی ، نداشتن مکان مناسب برای مطالعه ، عدم موفقیت بحث درباره مسائل شخصی  
تصویری از مشکلات خانوادگی نوجوان نیز در این مقاله به آن ذکر شده است.

## ارائه راهکارهای پیشنهادی:

در این گام و مرحله باید دو دسته راهکار ارائه داده می شود :

راهکارهای پیشنهادی مخصوص اولیا که دامن گیر مشکلات رفتاری هستند که منجر به لطمه وارد کردن و آسیب زدن به اعضای خانواده و به خصوص دانش آموزان می شوند راهکارهایی برای معلمان عزیز در برخورد با دانش آموزان و به خصوص دانش آموزانی که دچار آسیب و تنش شده اند.

## الف) ارائه کارهای پیشنهادی برای والدین دارای مشکل

- برقراری ارتباط با هر دو خانواده (خانواده پدر و خانواده مادر)

- برقراری ارتباط با بهترین دوست و همکار ایشان
- پی گیری از طریق مدیران محترم و برقراری ارتباط
- پی گیری از طریق مشاوران مدرسه
- برقراری ارتباط و کمک از طریق مشاور خانواده و مراجعه به منزل به خصوص مشاورین خانواده محل کار ایشان و مشاورین بنیاد
- برقراری ارتباط با متخصصین روان پزشک
- برقراری ارتباط با مشاور
- توصیه به ورزش کردن
- تشویق و پی گیری و همکاری با ایشان برای درمان

#### ب) راهکارهای پیشنهادی برای معلم در کلاس:

- مواظبت و مراقبت از گفتار
- معلم نباید در کلاس گفتارش رنگ و بوی طرد داشته باشد. همواره باید از کلمات مناسب در گفتار خود استفاده کند.
- آموزش رفتارهای خود آگاهی و خود کنترلی برای فائق آمدن بر احساسات و هیجانات
- فراهم کردن موفقیت هایی که دانش آموزان در کنار هم بتوانند تجربیات خوبی را پیدا کنند و با خطرات و مسئولیت های تجربیات خود آشنا شوند.
- درک کردن آنها نه طرد کردن آنها
- افزایش مهارت های توجه
- عدم شتاب و عجله در تصمیم
- احترام گذاشتن و ارزش نهادن به آنها و همسالان آنها نه مقایسه کردن آنها
- در تمام موقعیت ها توجه و مراقبت از خود نشان دهد و نه اضطراب این کار مشکل آنها را افزایش می دهد.

- معلم اگر خشمگین است باید بداند که خشمش را به گونه ای نشان دهد که به آنها لطمه بزند

- تفاوت های فردی در آنها را در نظر بگیرد

- اعتماد به نفس آنها را تقویت کند

### اجرای راه حل های انتخابی:

تمام راه حل های پیشنهادی به مرحله عمل واقع شدند ولی در مرحله اول و دوم ولی دانش آموز خیلی رضایت به درمان نداشت ،سعی می کرداز ارتباط کناره گیری کند.

در مرحله سوم که واقعا از طریق مدرسه و همکاران اینجانب تاثیر به سزایی داشت ولی بعد از مدتی مقاومت نشان می داد و تمایل به ادامه پی گیری و مخصوصا که بستری شدن هم در روند درمان بود مقاومت و سر پیچی می کرد.

در نهایت مقاومت شدید او منجر به مسائل و مشکلات زیادتر می شد متاسفانه ایشان همه را حریف خود نمودند و حتی روان پزشکان هم حریف ایشان نشدند و طبیعی است که بیمار تا خودش نخواهد و قبول نکند بیمار است تلاش اطرافیان بی نتیجه است.

هرچقدر پی گیری من و همکارانم و اداره خودشان بیشتر و جدی تر می شد لجبازی و عدم همکاری ایشان هم بیشتر می شد تا جایی که منجر به ۴ماه قطع ارتباط خانواده و دانش آموزبا محل تحصیل و اجتماع شد . در نتیجه وقتی مشکلات دانش آموزان بدتر می شد مجبور شدیم ازراه قانونی وارد شویم . ( با همکاری معاونین و مدیریت مدرسه)وبعد از ۴ماه توانستیم بچه های بی گناه و معصوم را از خانه ای که می بایست محل امن و آرامش و زمینه ساز رشد و تعالی آنها باشد ولی تبدیل به مکان مخرب روح و روان آنها شده بود رهایی یابند.

### گرد آوری اطلاعات و شواهد(۲):

بعد از ۴ماه که خانواده (در زندان خانگی) به سر می بردند حتی در این ۴ماه ارتباطی حتی با خانواده مادری و یا پدری والدین فرزندان نداشتند و هیچ گونه اطلاعی از هم نداشتند همان طور که بیان شد از طریق قانون(با تماس با کلانتری) و دادن گزارش بالاخره دانش آموزان معصوم را طی ۲۰ روز سپری مراتب قانونی که از طریق شکایت توسط مادر آنها با همکاری مدیریت محترم مدرسه سرکار خانم قرقچیان - معاون محترم آموزشی و

معاون اجرایی سرکار خانم شهبازی مشاور محترم مدرسه) در منطقه یک آموزش و پرورش ماموریت نجات این دانش آموزان معصوم و مظلوم را در این پرونده به پایان برسانم.

البته ۲ روز طول کشید تا به مرحله اجرای حکم از سوی دادستان رسیدیمو در این میان یکی دیگر از همکاران ( دبیر ادبیات فارسی به اتفاق همسرشان) برای شاهدین شکایت و روند مسیر پرونده با پی گیری ها و احضاریه ها ضمن درخواست افسر اجرا کننده حکم یکی از افراد درجه یک خانواده هم در این پرونده اضافه شدند و بعد از اجرای حکم دانش آموزان با مادر خود برای همیشه نجات پیدا نمودند.

### نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات:

شاید کمتر کسی به این موضوع توجه کند که بسیاری از مشکلات اساسی دوران نوجوانی و جوانی از اختلاف ها و سرکوب ها و نا آگاهی های والدین در دوره کودکی آغاز میشود. به طور کلی رفتار والدین مهم ترین عامل در تعیین چگونگی روابط میان آنان با فرزندانشان است.

والدین آگاه ووالدینی که از نظر روانی در سلامت کامل باشند می توانند تاثیر مثبت در فرزندانشان بگذرانند پس تاثیر رفتار و طرز تفکر والدین در شکل گیری و چگونگی رفتار دانش آموزان بسیار مهم و اساسی است و مناسبات والدین با فرزندان تعیین کننده چگونگی روابط اعضای خانواده است

- روابط والدین با فرزندان پیوسته در حال دگرگونی است و بر تمامی اعضای خانواده است که از بوجود آمدن دگرگونی های نا مطلوب و ناگوار پیش گیری کنند.

هم چنین دانش آموزان الگو پذیری خود را از همسالان و بزرگسالان اخذ می کنند به همین دلیل ارتباط اولیا با مسئولان مدرسه باید مستمر باشد معنای مستمر این نیست که هرروزه مدرسه سری بزنند بلکه لازم است بطور مرتب در منزل وضع درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنند.

## ارائه پیشنهادات:

- تغییرات در ساختار خانواده
- لزوم توجه والدین به فرزندان
- تشویق نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف
- والدین رابطه خود را شرط مطیع بودن یا مطیع نبودن قرار ندهند.
- اهمیت دادن به حس استقلال طلبی
- احترام گذاشتن به فرزندان
- آگاهی دادن به فرزندان در مورد انتخاب دوست
- تغییرات شخصیتی اعضای خانواده
- آموزش مهارت های زندگی
- آموزش خودآگاهی
- ایجاد احساس اعتماد و امنیت ، دانش آموز به جای احساس ترس از شکست ، توبیخ و توهین
- داشتن انتظارات معقول و منطقی در حد توان دانش آموز نه بیشتر و نه کمتر
- استفاده از کلمات ملایم و محترمانه بدون حالت کنایه و سرزنش
- ایجاد علاقه و انگیزه برای خود معلم و دانش آموز
- توجه به فرایند یادگیری نه فقط نتیجه
- ایجاد فضایی مناسب تا دانش آموز بتواند احساسات و عکس العمل هایش را نسبت به تجارب تنش زا مطرح کند . دل واپسی ها و نگرانی هایش را درباره آینده بیان کند و راهنمایی بگیرد
- آموزش رفتارهای خود آگاهی و خود کنترلی برای فائق آمدن بر احساسات و هیجانات ، بدست آوردن اعتماد به نفس و نیز پیدا کردن درک درستی از وقایع پیرامونش

درست است تربیت در خانواده همه عنوان کردند نقش مادر است ولی از سال ۱۹۵۰ و نتیجه تحقیق ۴۰ سال بعد از آن نشان داده است که نقش پدر کمتر از مادر نیست مخصوصاً در خود شیفته بودن فرزندان و معلولیت اجتماعی که همان تفکر اشتباه و خود شیفته بودن جزئی از معلولیت اجتماعی دانش آموزان است.

نقش پدر هم ۱۰۰ درصد در تربیت و مادر هم ۱۰۰ درصد است و آیا می شود گفت که ۲۰۰ درصد مگر امکان دارد - خیر هر کدام ۱۰۰ درصد در تربیت فرزندان نقش اساسی دارند ولی ۱۰۰ درصد مادر متفاوت از ۱۰۰ درصد پدر است. پس بنابراین رفتار پدر و مادر هر دو عامل مهم در تعیین چگونگی روابط میان آنان با فرزندان است

- در نظارت و سرپرستی شدید هر دو موجب وابستگی بیش از حد کودک به والدین می شوند.

- گذشت و مداراگری کاملاً ضد نظارت و سرپرستی شدید است

- گذشت و رفتار مداراگری به جای محدودیت به اختیار و آزادی فراوان در پی دارد

- طرد کردن شدت و ضعف دارد. دارای درجات گوناگونی است گاه به شکل بی توجهی به رفاه و آسایش گاه به شکل رفتار خصمانه نسبت به کودک بروز داده می شود

- رفتار دوستانه و آزاد منشانه: والدینی که رفتاری دوستانه و آزاد منشانه با فرزندان خود دارند مهر و محبت و علاقه به کودکان در رفتار آنان کاملاً مشهود است.